



The effectiveness of social skills training on academic self-concept and sense of belonging to school in elementary school students

Ayatollah Fathi¹, Saeid Sharifi Rahnemo², Rana Pourmalai Harris³

1. NAJA Institute of Law Enforcement and Social Studies
2. PhD Student in Curriculum Studies, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran (Corresponding Author)
3. Master of Clinical Psychology, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

Corresponding author: rahmmo.70sh@gmail.com | Received:2022/7/11 | Accepted:2022/7/31 | Published:2022/8/23

Abstract

Background and Objective: Social skills training is a technique through which people learn how to be calm and communicate appropriately in different situations and is used as a part of behavior modification programs to correct maladaptive behaviors. Therefore, by teaching social skills, students' self-concept and even a good feeling towards the school environment can be increased. Therefore, the current research was conducted with the aim of the effectiveness of social skills training on academic self-concept and sense of belonging to school in elementary school students.

Method: The research design was semi-experimental and pre-test-post-test design with a control group. The statistical population was the elementary school students of Harris city in the academic year 2018-2019, from this population, 40 students were randomly selected and placed in 2 experimental (20 people) and control (20 people) groups. To collect data, Sinha and Singh (2011), sense of belonging to school (2004) and Yi Sen Chen (2004) academic self-concept questionnaires were used. Data analysis was done with the statistical method of multivariate covariance analysis.

Finding: The average scores of academic self-concept and belonging to school after the test in the experimental group were 4.24 ± 33.05 and 4.54 ± 54.05 respectively. The results showed; Teaching social skills has an effect on the sense of academic self-concept and belonging to the school of primary school students ($P \leq 0.05$) and increases the academic self-concept and sense of belonging to the school.

Conclusions: Therefore, the acquisition and application of social skills is the basis on which interpersonal relationships are built. Students who practice social skills in a real way and use them competently are definitely able to be successful in entering the peer group and making friends and establish a positive and reciprocal interaction with others, which increases Academic self-concept and the feeling of belonging to the school become in them.

Keywords: Social skills, academic self-concept, sense of belonging to school, elementary school.

اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان ابتدایی

آیت‌اله فتحی^۱، سعید شریفی رهنمو^۲، رعنا پورملایی هریس^۳

۱. پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا

۲. *دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

*نویسنده مسئول: rahmmo.70sh@gmail.com | دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ | پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹ | انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

چکیده

پیشینه و هدف: آموزش مهارت‌های اجتماعی، تکنیکی است که از طریق آن افراد می‌آموزند، چگونه آرام باشند و در موقعیت‌های مختلف به طور مناسب ارتباط برقرار سازند و به عنوان بخشی از برنامه‌های تعدیل رفتار به منظور اصلاح رفتارهای ناسازگار به کار گرفته می‌شود. بنابراین با آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌توان خودپنداره و حتی حس خوب نسبت به محیط مدرسه را در دانش‌آموزان افزایش داد. از این رو پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان ابتدایی انجام پذیرفت.

روش: طرح پژوهش به شیوه نیمه آزمایشی و از نوع طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان هریس در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بودند که از این جامعه، تعداد ۴۰ دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب شده و در ۲ گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سازش‌یافتگی سینها و سینگ (۲۰۱۱)، احساس تعلق به مدرسه بری و همکاران (۲۰۰۴) و خودپنداره تحصیلی بی سن چن (۲۰۰۴) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش آماری تحلیل کواریانس چندمتغیره انجام گرفت.

یافته: میانگین نمرات خودپنداره تحصیلی و تعلق به مدرسه در پس‌آزمون در گروه آزمایش به ترتیب $33/05 \pm 4/24$ و $54/05 \pm 4/54$ به دست آمد. نتایج نشان داد؛ آموزش مهارت‌های اجتماعی بر احساس خودپنداره تحصیلی و تعلق به مدرسه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر دارد $////$ و باعث افزایش خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه می‌شود.

نتیجه‌گیری: براین اساس اکتساب و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی مبنایی است که ارتباط‌های بین فردی بر پایه آن ساخته می‌شود. دانش‌آموزانی که مهارت‌های اجتماعی را به طور واقعی تمرین می‌کنند و به شایستگی به کار می‌گیرند، به طور حتم قادرند در ورود به گروه همسالان و دوست‌یابی موفق باشند و تعاملی مثبت و متقابل با دیگران برقرار کنند که چنین امری باعث افزایش خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در آنان می‌گردد.

کلمات کلیدی: مهارت‌های اجتماعی، خودپنداره تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، دانش‌آموزان دوره ابتدایی.

مقدمه

یکی از عوامل مهم و اثرگذار در عملکرد تحصیلی دانش آموزان عوامل روان‌شناختی آنان است (مامادوف^۱، ۲۰۲۲). از جمله ویژگی‌های روان‌شناختی مهمی که عملکرد تحصیلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، خودپنداره تحصیلی^۲ است (جاکوب، لاجنر و اسپیتز^۳، ۲۰۲۱). خودپنداره تحصیلی به ادراک یا تصور دانش‌آموز از شایستگی خود در رابطه با یادگیری آموزشگاهی اشاره می‌کند که بر پیشرفت تحصیلی اثر می‌گذارد و همزمان به وسیله آن متأثر می‌شود (مارش و کراون^۴، ۲۰۰۵). خودپنداره تحصیلی بیانگر دانش و ادراکات فردی درباره نقاط قوت و ضعف خودمان در یک حوزه تحصیلی معین و عقاید فردی درباره توانایی‌هایمان در انجام موفقیت‌آمیز تکالیف تحصیلی است (تلا^۵، ۲۰۰۷). به طوری که هانگ^۶ (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که خودپنداره مثبت بالا با عملکرد تحصیلی بالا در دانش‌آموزان مرتبط است و خودپنداره پایین باعث کاهش عملکرد تحصیلی می‌شود. همچنین دانش‌آموزانی که در انجام کارها، خود را، اثربخش‌تر، مطمئن‌تر و توانمندتر می‌دانند، در مقایسه با سایرین از خودپنداره تحصیلی بالایی برخوردار خواهند بود و بالطبع چنین خودپنداره‌ای منجر به رشد و پیشرفت تحصیلی آتی فرد و علاقه و انگیزش بیشتر در وی می‌شود (مارش و اومارا^۷، ۲۰۰۸). بر این اساس افرادی که در آغاز تحصیل تفکر و برداشت مثبتی از خود و توانمندی‌های خود دارند، چنین تفکر مثبتی منجر به پیشرفت تحصیلی آن‌ها می‌شود. همچنین پیشرفت تحصیلی آنان بازخورد مثبتی به خودپنداره و صحت برداشت‌شان از خود و توانمندی‌هایشان می‌بخشد (گلشن‌پور و بهرامی، ۱۳۹۷).

مدارس محیط اجتماعی بزرگی هستند که در آن دانش‌آموزان از اعتقادات، ارزش‌ها، معیارها و نگرانی‌های مشترک برخوردارند. همچنین عملکردهای شناختی و عاطفی دانش‌آموزان به وسیله ویژگی‌های مدرسه شکل می‌گیرد و یادگیری در مدرسه در یک محیط اجتماعی، هم در درون و هم بیرون کلاس درس رخ می‌دهد (اسکرمن^۸، ۲۰۰۶). برای برخی از دانش‌آموزان، مدرسه محیط خوشایندی نیست، عموماً مدارس از هنجارها و ارزش‌های طبقه متوسط پیروی می‌کنند، دانش‌آموزانی که از خانواده‌های طبقه پایین وارد مدارس می‌شوند، به علت عدم تقویت ارزش‌های طبقه متوسط در خانواده خود و تحمیل رفتارهای مخصوص طبقه متوسط در مدرسه، دچار تضاد و ناهماهنگی شده، بنابراین احساس تعلق به مدرسه این دانش‌آموزان ضعیف می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷). دانش‌آموزانی که دلبستگی پایینی به مدرسه دارند، احساس جدایی و بیگانگی کرده و احتمالاً دچار شکست تحصیلی می‌شوند؛ اما وقتی دانش‌آموزان باور پیدا کنند که مدرسه از آن‌ها حمایت می‌کند، بیشتر به مدرسه دلبستگی پیدا کرده و بیشتر در فعالیت‌های مدرسه شرکت می‌کنند، از هنجارها پیروی کرده و به اهداف پیشرفت مدرسه متعهد می‌شوند (کیم^۹، ۲۰۱۷). هاوکینز^{۱۰} (۲۰۱۱) احساس تعلق به مدرسه^{۱۱} را دلبستگی، ارتباط عاطفی مثبت، تعهد و سرمایه‌گذاری شخصی نسبت به مدرسه می‌داند. از نظر گودنو^{۱۲} (۲۰۰۹) احساس تعلق به مدرسه

1. Mammadov
2. academic self-concept
3. Jacob, Lachner & Scheiter
4. Marsh & Craven
5. Tella
6. Huang
7. M'Mara
8. Scherman
9. Kim
10. Hawkins
11. school bonding
12. Goodenow

اشاره به این دارد که دانش آموزان احساس کنند مورد پذیرش قرار می‌گیرند، به ارزش‌های آن‌ها توجه می‌شود، در فعالیت‌های تحصیلی و کلاسی مورد تشویق قرار می‌گیرند و این احساس در آن‌ها ایجاد می‌شود که می‌توانند در فعالیت‌های کلاسی سهیم بوده و مورد توجه قرار گیرند. تورنر، اندرسون، بلدرسون، کوک، شرمین و چرکین^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان دادند دانش‌آموزانی که احساس تعلق به مدرسه دارند، از بودن در مدرسه شادند و احساس می‌کنند بخشی از مدرسه هستند. همچنین نوجوانانی که پیوند اجتماعی قوی با مدرسه تشکیل می‌دهند، نسبت به نوجوانانی که در ایجاد این پیوندها شکست می‌خورند، احتمالاً بیشتر در رفتارهای اجتماعی مشارکت کرده و استعداد تحصیلی خود را شکوفا می‌کنند. تعلق دانش‌آموزان به مدرسه در یادگیری ضروری است، بنابراین مدارس نیاز دارند با افزایش مشارکت، تعلق دانش‌آموزان را به مدرسه زیاد و در نتیجه یادگیری را افزایش دهند (اکلس و روسر^۲، ۲۰۱۳). بنابراین توجه به تعلق و سازش‌یافتگی به محیط مدرسه از جمله مسائل مهم دوران تحصیلی است که می‌تواند تأثیر بسزایی در زندگی فردی و اجتماعی آنان داشته باشد. نوجوانان به دلیل تغییرات پیچیده و سریعی که در این دوره از زندگی تجربه می‌کنند، در مقابل اختلال‌های رفتاری و نابهنجارهای روانی آسیب‌پذیری دارند. دستیابی به هدف‌های آموزشی با وجود آشفتگی‌های عاطفی سازشی امری مشکل و غیرممکن است. از سویی سازش‌یافتگی امروز جوانان اثر قابل توجهی در سازش‌یافتگی آتی آنان در نقش‌های شغلی و خانوادگی خواهد داشت (برغندان، اکبری، خلعتبری و وارسته، ۱۳۹۷). در واقع سازش‌یافتگی تحصیلی ناظر به توانمندی فراگیران در انطباق با شرایط و الزامات تحصیل و نقش‌هایی است که مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی فرا روی آن‌ها قرار می‌دهد (پتیوس^۳، ۲۰۰۶).

فرایند تعلق در زمینه‌های فوق در ارتباط‌های مفید اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع، اجتماعی شدن هر فرد دستاورد مهارت‌های ارتباطی است که قبلاً آموخته است. مهارت‌های اجتماعی به منزله آن دسته از مهارت‌هایی است که افراد طی آن، اطلاعات، افکار و احساسات خود را از طریق مبادله کلامی و غیر کلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (هارجی و دیکسون^۴، ۲۰۰۴). مدرسه نظام اجتماعی کوچکی است که کودکان در آن قواعد اخلاقی، عرف اجتماعی، نگرش‌ها و شیوه‌های برقراری ارتباط با دیگران و نیز مهارت‌های تحصیلی را می‌آموزند. متأسفانه در این زمینه مهارت‌های اجتماعی به عنوان عامل مهم در توانایی درسی دانش‌آموزان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و فقط زمانی به این مهم توجه می‌شود که دانش‌آموزان از خود رفتاری نامناسب، مغایر با آن چه مورد نظر اولیاء می‌باشد، نشان می‌دهند (ادیب، ۱۳۹۵). مهارت‌های اجتماعی مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که روابط اجتماعی مثبت و مفید را آغاز و حفظ نماید، دوستی و صمیمیت با همسالان را گسترش دهد، سازگاری رضایت‌بخشی را در مدرسه ایجاد کند، به افراد اجازه دهد که خود را با شرایط وفق دهند و تقاضاهای محیط اجتماعی را بپذیرند (گرشام، واتسون و اسکینر^۵، ۲۰۱۵). براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی پیش‌بینی می‌شود که پس از سال ۲۰۱۰، کمتر کسی قادر خواهد بود بدون کسب مهارت‌های اجتماعی و داشتن خودپنداره مثبت، زندگی رضایت‌بخشی داشته باشد. تأثیر آموزش این مهارت‌ها بر موفقیت در زندگی، از طریق دستکاری ظرفیت روانی-اجتماعی افراد امکان‌پذیر است؛ بنابراین آموزش این مهارت‌ها، ظرفیت روانی-اجتماعی افراد را بالا برده و آن‌ها را قادر می‌سازد تا با اندیشه و تحلیل موقعیت، به رفتاری سازگارانه و همراه با تحمل رو آورند

1. Turner, Anderson, Balderson, Cook, Sherman & Cherkin
2. Eccles & Roeser
3. Pettus
4. Hargie & Dickson
5. Gresham, Watson & Skinner

(منگروولکار، ویتمن و پوسنر^۱، ۲۰۱۰) و از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردار باشند. در این راستا هارل، مرسر و دروسایر^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث افزایش رفتارهای مثبت اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی، افزایش رفتارهای مناسب در کلاس درس و احساس تعلق به مدرسه و کاهش ناسازش‌یافتگی در مدرسه را می‌شود. در پژوهشی دورلاک، ویربرگ، دیمونکی، تیلور و اسپلینگر^۳ (۲۰۱۱) آموزش مهارت‌های اجتماعی و هیجانی باعث افزایش مهارت‌های تحصیلی و ارتباطی در دانش‌آموزان می‌شود. همچنین فرهنگی و عبدالعلیان (۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر نشان دادند که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش خودپنداره و کاهش حساسیت اضطرابی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری مؤثر بوده است.

حال به نظر می‌رسد با استفاده از آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم می‌توان حس کنترل درونی را فعال نموده و سازش-یافتگی و احساس تعلق به مدرسه را در دانش‌آموزان تقویت نمود. همچنین با آموزش همین مهارت‌ها و در نتیجه افزایش سطح خودپنداره تحصیلی می‌توان به سلامت دانش‌آموزان کمک کرد. لذا، با توجه به وجود تعداد بسیار زیادی از دانش‌آموزانی که از خودپنداره تحصیلی ضعیفی برخوردار هستند و پیشرفت تحصیلی پایینی دارند و در برقرار کردن ارتباط مناسب با همسالان خود و دیگران مهارت لازم را ندارند، اجرای این تحقیقات از اهمیت خاصی برخوردار است و نتایج به دست آمده می‌تواند برای دانش‌آموزان راهگشا باشد. همچنین با توجه به نقش مهم و اساسی مدارس در بهبود سلامت روانی، جسمانی و کیفیت زندگی دانش‌آموزان و احساس سازش‌یافتگی و تعلق به مدرسه و عدم توجه کافی به اهمیت تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان به عنوان عاملی محافظتی و نیز وجود تحقیقات کمتر در زمینه اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر جنبه‌های شناختی دانش‌آموزان انجام پژوهش حاضر از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو پژوهش حاضر برای پاسخگویی به این سؤال انجام شده است که آیا آموزش مهارت‌های اجتماعی بر خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان هریس تأثیر دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع طرح نیمه آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. پژوهش در سه مرحله انجام گرفت. در مرحله اول پیش‌آزمون متغیرهای وابسته از دانش‌آموزان گروه کنترل و گروه آزمایش گرفته شد، در مرحله دوم بسته آموزشی بر روی دانش‌آموزان گروه آزمایش اجرا و در مرحله سوم نیز پس‌آزمون متغیرهای وابسته از هر دو گروه به عمل آمد. جامعه آماری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان هریس در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بودند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و سپس گمارش تصادفی استفاده شد. به این صورت که ابتدا از بین مدارس شهرستان هریس تعداد دو مدرسه ابتدایی به صورت تصادفی انتخاب شده و از هر دو مدرسه، از هر کدام تعداد ۱ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از بین دانش‌آموزان مدارس انتخاب شده تعداد ۴۰ دانش‌آموز به صورت تصادفی در ۲ گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) قرار گرفتند. به این صورت که ابتدا پرسشنامه‌ها در اختیار دانش‌آموزان دو مدرسه ابتدایی قرار گرفته و بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، آزمودنی‌های گروه آزمایش، تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی، به مدت ۱۲ جلسه قرار گرفته و در مقابل گروه کنترل هیچ آموزشی را دریافت نکردند. بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی، دوباره پرسشنامه‌ها توسط دانش‌آموزان تکمیل گردید. بعد از انتخاب گروه‌های نهایی پژوهش، شرکت‌کنندگان دو گروه در جلسه توجیهی شرکت کردند. در این جلسه با تشریح اهداف پژوهش، سعی شد که انگیزه و موافقت لازم

1. Mangrulkar, Whitman & Posner

2. Harrell, Mercer & DeRosier

3. Durlak, Weissberg, Dymnicki & Schellinger

مراجعه کنندگان برای شرکت در پژوهش جلب شود. به منظور رعایت اصول اخلاقی، فرم رضایت آگاهانه برای همکاری در پژوهش توسط شرکت کنندگان تکمیل شده و پژوهشگر به مراجعان این اطمینان را خواهد داد که کلیه مطالب ارائه شده در جلسات آموزشی و داده‌های پرسشنامه محرمانه خواهد بود. جزئیات بسته آموزشی و پرسشنامه‌ها به شرح زیر است:

پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه: این پرسشنامه توسط بری و همکاران (۲۰۰۴) ساخته شده و شامل ۲۷ سؤال است که در یک مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. پرسشنامه مذکور در سال ۲۰۰۵ نیز توسط بتی و بری مورد تجدیدنظر قرار گرفته است که به طور کلی دارای ۶ خرده مقیاس شامل احساس تعهد به همسالان، حمایت معلم، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه، مشارکت در اجتماع، ارتباط فرد با مدرسه و مشارکت علمی می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۲۷ و ۱۰۸ است. ضریب پایایی پرسشنامه مذکور توسط بری و همکاران (۲۰۰۵) برای کل پرسشنامه ۰/۷۵ و برای مؤلفه‌های احساس تعهد به همسالان ۰/۷۳، حمایت معلم ۰/۸۹، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه ۰/۷۵، مشارکت در اجتماع ۰/۸۴، ارتباط فرد با مدرسه ۰/۶۹ و مشارکت علمی ۰/۷۸ گزارش کرده است. همچنین در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که در سطح ۰/۸۰ معنادار به دست آمد.

پرسشنامه خودپنداره تحصیلی: این پرسشنامه برای اولین بار توسط بی سن چن (۲۰۰۴) پس از اجرا بر روی ۱۶۱۲ دانش‌آموز تایوانی دوره ساخته شد. این ابزار دارای ۱۵ پرسش می‌باشد و تصویر ذهنی فرد از خودش را می‌سنجد و شامل سه مؤلفه خودپنداره عمومی، آموزشگاهی و غیر آموزشگاهی است. نمره‌گذاری این پرسشنامه در یک مقیاس چهار نقطه‌ای لیکرت از کاملاً موافق (۴)، موافق (۳)، مخالف (۲) و کاملاً مخالف (۱) پاسخ داده می‌شوند. حداقل نمره آزمودنی در این پرسشنامه ۱۵ و حداکثر آن ۶۰ است. بالاتر بودن نمره آزمودنی نسبت به سایر آزمودنی‌ها خودپنداره مثبت‌تری نسبت به دیگران را نشان می‌دهد. این پرسشنامه به وسیله افشاری‌زاده، کارشکی و ناصریان (۱۳۹۲) هنجاریابی شد و پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که در سطح ۰/۹۰ معنادار به دست آمد.

مداخله آموزش مهارت‌های اجتماعی: این پکیج آموزشی توسط به پژوه و همکاران (۱۳۸۹) که با بررسی فهرست مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مهارت‌هایی که دانش‌آموزان در آن‌ها مشکل داشتند، ساخته شده است که با نظر و تأیید تعدادی از متخصصان و استادان روان‌شناسی برای ۱۲ جلسه یک ساعته طراحی گردیده است. هدف‌های برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی عبارت بودند از: آموزش برخورد مناسب با دیگران، پیروی از دستورات، رعایت نظم و سکوت، کمک به دیگران، افزایش توانایی توجه، داشتن صبر و حوصله، قبول نتیجه کار و نظایر آن.

رویکرد آموزشی برنامه یاد شده، بیش‌تر بر رویکرد یادگیری شناختی و اجتماعی مبتنی است و بیش‌تر از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، مانند بیان کلامی، سرمشق‌گیری، بازی نقش، مرور ذهنی، بازخورد، بحث گروهی، تقویت مثبت و پرسش و پاسخ بهره می‌گیرد. همچنین برنامه مداخله شامل ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای سه جلسه) بود.

جدول ۱. مراحل جلسات آموزشی راهبردهای مطالعه

جلسات	محتوا
اول	معرفه و آشنایی با اعضای گروه، بیان مقررات گروه، بحث در مورد اهمیت مهارت‌های اجتماعی، بازخورد افراد در مورد نحوه معارفه، توجیه صدا، دادن تکالیفی در مورد شیوه معرفی خود به دیگران

جلسات	محتوا
دوم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، شیوه معرفی خود به دیگران و سلام و احوال پرسی کردن در برخورد با دیگران و دادن تکلیف مناسب
سوم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، تمرین کردن شیوه‌های مبادله تعارف‌های روزمره، تمرین برای آغاز گفتگو و ادامه مناسب و خاتمه آن، دادن تکلیف در مورد آغاز کردن گفتگو با دیگران
چهارم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، بحث درباره اهمیت پیروی از دستورات و قوانین در مدرسه و خانه و دادن تکلیف در مورد نظم و انضباط
پنجم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، تمرین برای شیوه تقاضا کردن از دیگران، ارائه الگو در مورد نحوه برخورد با شخصی که تقاضای ما را رد کرده است، دادن تکلیف در مورد تقاضا کردن و ارائه پاسخ‌های مناسب
ششم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، بحث درباره اهمیت اجازه گرفتن از بزرگترها در انجام دادن کارها و مهارت گوش کردن و دادن تکلیف مناسب
هفتم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، آموزش مهارت‌های مربوط به مهار احساسات و ابراز هیجان‌ها و احساسات مثبت و منفی و دادن تکلیف مناسب
هشتم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، تمرین بر روی نحوه ابراز احساسات، ارائه الگو در مورد شیوه بیان احساسات گوناگون، مانند شادی، خشم، اندوه و مهارت‌های مربوط به درخواست کمک و کمک کردن به دیگران و افزایش راهکارهای سلامت اجتماعی
نهم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، تمرین بر روی شیوه‌های رد تقاضاهای نامعقول، بحث در مورد شیوه نه گفتن به تقاضاهای نامعقول، دادن تکلیف در مورد نحوه رد کردن تقاضاهای غیر منطقی و مهارت نه گفتن
دهم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، بحث در خصوص اینکه چرا باید انتقاد کنیم، تکلیف در مورد ارائه بازخورد به دیگران و مهارت معذرت خواهی از دیگران و پذیرفتن عذرخواهی دیگران
یازدهم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، تمرین در مورد انتقادپذیری، ارائه الگو در مورد شیوه برخورد مناسب و مؤثر با انتقاد، دادن تکلیف در مورد کنار آمدن و قبول انتقاد و مهارت حل مسئله و مقابله با ناکامی
دوازدهم	ارائه گزارش تکلیف جلسه پیش و دادن بازخورد، ارائه خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده، جمع بندی و ارزشیابی از نتایج جلسات و خود ارزیابی.

نهایتاً بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مناسب استفاده شد که در بخش آمار توصیفی، از محاسبه فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش آماری تحلیل کواریانس چندمتغیره با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری spss25 استفاده شد.

یافته‌ها

به منظور بررسی فرضیه‌ها که مهارت‌های اجتماعی موجب افزایش خودپنداره تحصیلی و تعلق به مدرسه می‌شود، ابتدا آماره‌های توصیفی ارائه شده است. سپس در راستای آزمون فرضیه‌ها با بررسی پیش فرض‌ها برای مقیاس‌های نامبرده که دارای مولفه می‌باشند از تحلیل کواریانس چندمتغیره استفاده شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل

گروه	گروه آزمایش	گروه کنترل
متغیرها	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)
خودپنداره عمومی	۱۱/۵۵ (۱/۴۳)	۱۰/۵۵ (۱/۴۳)
خودپنداره آموزشی	۱۵/۰۱ (۲/۱۷)	۱۳/۲۰ (۲/۲۶)
خودپنداره غیرآموزشی	۵/۲۰ (۱/۶۴)	۵/۳۵ (۱/۸۹)
احساس تعهد به همسالان	۹/۲۵ (۱/۷۱)	۷/۲۰ (۱/۱۰)
حمایت معلم	۲۰/۴۰ (۳/۰۱)	۱۵/۸۰ (۱/۸۵)
احساس رعایت احترام	۹/۴۰ (۱/۹۳)	۷/۵۵ (۱/۴۳)
مشارکت در اجتماع	۱۰/۶۰ (۱/۹۳)	۸/۴۰ (۱/۵۳)
ارتباط فرد با مدرسه	۷/۸۵ (۱/۴۹)	۶/۶۰ (۲/۳۴)
مشارکت علمی	۹/۵۵ (۲/۹۴)	۷/۳۰ (۲/۲۰)

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین نمرات مؤلفه‌های خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بالاتر است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث افزایش میانگین نمرات در متغیر مؤلفه‌های سازش خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در گروه آزمایش شده است در حالی که تفاوت چندانی در گروه کنترل وجود ندارد.

جدول ۳: آزمون معنی‌دار کالموگروف-اسمیرنوف برای بررسی طبیعی بودن توزیع نمرات متغیرها

متغیرها	Z کالموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری
خودپنداره عمومی	۱/۳۱	۰/۰۶
خودپنداره آموزشی	۰/۹۳	۰/۳۴
خودپنداره غیرآموزشی	۰/۸۸	۰/۴۱

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج نشان داد توزیع داده‌ها منطبق بر توزیع نرمال قلمداد می‌گردد. در این آزمون هر چه سطح معناداری به دست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ باشد، توزیع داده‌ها نرمال است. بنابراین این مفروضه برقرار است.

همچنین براساس آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری گروه‌ها در متغیر خودپنداره تحصیلی و مؤلفه‌های آن بیشتر از ۰/۰۵ است و می‌توان گفت واریانس گروه‌ها از تجانس برخوردار است. با توجه به سطح معناداری که از ۰/۰۵ بیشتر است، فرض مقابل رد و فرض صفر قبول می‌شود. بنابراین این مفروضه نیز برقرار است.

با توجه به نتایج آزمون باکس نیز مشخص است که چون مقدار سطح معناداری این آزمون برابر ۰/۸۲ می‌باشد و این مقدار بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این پیش فرض جهت انجام آزمون تحلیل مانکوا رعایت شده است. به عبارت دیگر، تساوی ماتریس واریانس- کواریانس متغیرهای پژوهش برقرار است و از نظر ماتریس واریانس- کواریانس تفاوت معناداری باهم ندارند.

با توجه به اینکه مفروضه‌های تحلیل کواریانس چند متغیری برقرار است. لذا از این روش جهت آزمون فرضیه اول پژوهش استفاده شد.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره

آزمون	ارزش	F	P
لامبدای ویلکز	۰/۷۵	۳/۶۲	۰/۰۲
تی هتلینگ	۴/۸۶	۳/۶۲	۰/۰۱

نتایج مشخصه آماری لامبدای ویلکز و تی هتلینگ نشان داد که اثر گروه بر ترکیب مؤلفه‌های متغیر خودپنداره تحصیلی معنی دار است. آزمون فوق قابلیت استفاده از تحلیل کواریانس چندمتغیره را مجاز شمرد.

جدول ۵: نتایج تحلیل کواریانس روی نمرات متغیر خودپنداره تحصیلی

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
خودپنداره عمومی	۱۲/۸۹	۱	۱۲/۸۹	۸/۹۴	۰/۰۰۵
خودپنداره آموزشی	۲۳/۸۳	۱	۲۳/۸۳	۵/۴۳	۰/۰۲
خودپنداره غیرآموزشی	۰/۵۲	۱	۰/۵۲	۰/۳۱	۰/۵۸

بر اساس مندرجات جدول ۶، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، اثر معنی داری در عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود دارد. به طوری که نمرات نشان می‌دهد میانگین گروه آزمایش که در معرض آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند، به طور چشمگیری افزایش داشته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های اجتماعی، بر خودپنداره تحصیلی و مؤلفه‌های خودپنداره عمومی و آموزشی در دانش‌آموزان تأثیر دارد و آن را به طور معناداری افزایش می‌دهد. لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد.

در ادامه نیز آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری گروه‌ها در متغیر احساس تعلق به مدرسه و مؤلفه‌های آن بیشتر از ۰/۰۵ است و می‌توان گفت واریانس گروه‌ها از تجانس برخوردار است. با توجه به سطح معناداری که از ۰/۰۵ بیشتر است، فرض مقابل رد و فرض صفر قبول می‌شود. بنابراین این مفروضه نیز برقرار است. همچنین با توجه به نتایج آزمون باکس مشخص است که چون مقدار سطح معناداری این آزمون برابر ۰/۰۶ می‌باشد و این مقدار بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این پیش فرض جهت انجام آزمون تحلیل مانکووا رعایت شده است. به عبارت دیگر، تساوی ماتریس واریانس - کواریانس متغیرهای پژوهش برقرار است و از نظر ماتریس واریانس - کواریانس تفاوت معناداری باهم ندارند.

با توجه به اینکه مفروضه‌های تحلیل کواریانس چند متغیری برقرار است. لذا از این روش جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش استفاده شد.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره

آزمون	ارزش	F	P
لامبدای ویلکز	۰/۲۴	۱۳/۶۶	۰/۰۰۱
تی هتلینگ	۳/۲۶	۱۱/۱۶	۰/۰۰۱

نتایج مشخصه آماری لامبدای ویلکز و تی هتلینگ نشان داد که اثر گروه بر ترکیب مؤلفه‌های متغیر احساس تعلق به مدرسه معنی‌دار است. آزمون فوق قابلیت استفاده از تحلیل کواریانس چندمتغیره را مجاز شمرد.

جدول ۷ نتایج تحلیل کواریانس روی نمرات متغیر احساس تعلق به مدرسه

متغیرهای وابسته	مجموع درجه میانگین			سطح معناداری
	مجذورات	آزادی	مجذورات	
احساس تعهد به همسالان	۱۲/۱۰	۱	۱۲/۱۰	۰/۰۱
حمایت معلم	۱۵۵/۳۶	۱	۱۵۵/۳۶	۰/۰۰۱
احساس رعایت احترام	۲۰/۳۷	۱	۲۰/۳۷	۰/۰۱
مشارکت در اجتماع	۳۰/۱۸	۱	۳۰/۱۸	۰/۰۰۳
ارتباط فرد با مدرسه	۱۷/۸۹	۱	۱۷/۸۹	۰/۰۱
مشارکت علمی	۳۲/۸۵	۱	۳۲/۸۵	۰/۰۳

بر اساس مندرجات جدول ۱۰، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، اثر معنی‌داری در عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود دارد. به طوری که نمرات نشان می‌دهد میانگین گروه آزمایش که در معرض آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند، به طور چشمگیری افزایش داشته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های اجتماعی، بر احساس تعلق به مدرسه و مؤلفه‌های آن (احساس تعهد به همسالان، حمایت معلم، احساس رعایت احترام، مشارکت در اجتماع، ارتباط فرد با مدرسه و مشارکت علمی) در دانش‌آموزان تأثیر دارد و احساس تعلق به مدرسه را به طور معناداری افزایش می‌دهد. لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر خودپنداره تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شد.

فرضیه اول پژوهش نشان داد؛ آموزش مهارت‌های اجتماعی بر خودپنداره تحصیلی و مؤلفه‌های (خودپنداره عمومی، آموزشگاهی و غیرآموزشگاهی) دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های لوپز و همکاران (۲۰۱۸) و فرهنگی و عبدالعلیان (۱۳۹۵) مطابقت دارد. به طوری که لوپز و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث کاهش پرخاشگری نوجوانان و افزایش سازش‌یافتگی آن‌ها در مدرسه می‌شود. بنابراین توجه به مهارت‌های اجتماعی نقش مهمی در سازش‌یافتگی نوجوانان دارد. همچنین فرهنگی و عبدالعلیان (۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر نشان دادند آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش خودپنداره و کاهش حساسیت اضطرابی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری مؤثر بوده است. در تبیین نتایج احصائی می‌توان گفت خودپنداره قسمتی از شخصیت طبیعی هر انسانی است و بدیهی است که هر شخصی در وجود خود به نوعی احساس ارزشمندی خواهد کرد. اما این احساس ارزشمندی در افراد مختلف دارای درجات مختلفی است. مهارت‌های اجتماعی و شناسایی ارزش‌های فردی در پیشگیری یا کاهش ابتلا نوجوانان به انواع ناهنجاری‌های رفتاری-اجتماعی و اختلالات روانی و شخصیتی نقش مؤثری دارند. بنابراین با توجه به اهمیت و ارزش آموزش مهارت‌های اجتماعی با اهداف پیشگیرانه و ارتقاء سطح سلامت روان، فقدان این مهارت باعث کاهش ارزشمندی در وجود فرد خواهد شد. لذا آموزش چنین مهارت‌هایی در دانش‌آموزان احساس کفایت، توانایی مؤثر بودن، غلبه کردن بر مشکل یا سازگاری با ناکامی و افزایش خودپنداره، توانایی برنامه‌ریزی و رفتار هدفمند و یا تغییر اهداف مواجه شده با ناکامی را به وجود می‌آورد. یکی دیگر از دلایل احتمالی برای بهبود خودپنداره ممکن است این باشد که اکتساب و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی پایه و مبنایی است که ارتباط‌های بین فردی بر اساس آن ساخته می‌شود. دانش‌آموزانی که مهارت‌های اجتماعی را به طور واقعی تمرین می‌کنند و به شایستگی به کار می‌گیرند، به طور حتم قادرند در ورود به گروه همسالان و دوست‌یابی موفق باشند، تعاملی مثبت و متقابل در بازی‌ها با همسالان خویش داشته باشند و همین‌طور دامنه‌ای از رفتارهای اجتماع‌پسندانه را از خود نشان دهند. دانش‌آموزانی که قواعد اجتماعی گروه همسالان را به خوبی یاد می‌گیرند و نیز روابط قوی و مستحکمی را با اعضای خانواده و اجتماع برقرار می‌کنند، به احتمال زیاد سطح بالایی از خودپنداره و اطمینان اجتماعی را پرورش خواهند داد. دیگر اینکه دانش‌آموزانی که به خوبی مهارت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند و از نظر اجتماعی رفتارهای با کفایت‌تری از خود نشان می‌دهند، دارای مفهوم خود مثبت‌تری هستند و این موجب می‌شود که محدودیت‌ها و توانایی‌های خودشان را به نحو صحیح‌تری ارزیابی، درک و پذیرش کنند. در همین زمینه لانگ و جاکوبوسکی، گرانگر، دبرای و ورویکس^۱ (۱۹۹۹) مهارت‌های اجتماعی را ابراز افکار، احساسات و اعتقادات خویش به نحوی مناسب، مستقیم و صادقانه می‌دانند، به گونه‌ای که حقوق دیگران پایمال نشود. شیوه‌ای که در برقراری ارتباط با دیگران اتخاذ می‌شود عامل مهمی در تعامل اجتماعی می‌باشد. ارتباطات ضعیف می‌توانند به روابط ناسالم منجر شوند و فشار روانی را افزایش دهند. در واقع خودپنداره را می‌توان به عنوان میزان ارزشی که ما برای خود قائل می‌شویم در نظر گرفت. مطالعات حاکی از این است که آگاهی یا برداشت ما از خود بیشتر ناشی از تجربه‌های اجتماعی ما است. ما خود را

آن گونه می‌بینیم که فکر می‌کنیم دیگران ما را می‌بینند. در واقع نگرش ما از خود مانند آئین‌هایی است که ارزیابی‌های تصویری دیگران نسبت به ما را منعکس می‌کند. بنابراین خوداندکاه که مفهوم عزت نفس را می‌سازد، به نظر می‌رسد که تحت تأثیر محیط بیرونی شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. در سال‌های اول زندگی، ما به شدت تحت تأثیر برداشت دیگران از خودمان قرار می‌گیریم. این امر نگرش ما نسبت به خودمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ادامه نتایج نشان داد؛ آموزش مهارت‌های اجتماعی بر احساس تعلق به مدرسه و مؤلفه‌های (احساس تعهد به همسالان، حمایت معلم، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه، مشارکت در اجتماع، ارتباط فرد با مدرسه و مشارکت علمی) در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های هارل و همکاران (۲۰۰۸) و جمال زاده (۱۳۸۹) مطابقت دارد. به عنوان مثال جمال‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی گزارش کردند آموزش مهارت‌های اجتماعی در افزایش میزان خود پنداره و ابراز وجود و همچنین خودکارآمدی موثر می‌باشد به طوری که می‌توان برای تقویت و بهبود متغیرهای وابسته مورد اشاره فوق، مبادرت به آموزش مهارت‌های اجتماعی کرد. لذا از دلایل احتمالی برای بهبود احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه ممکن است این باشد که اکتساب و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی پایه و مبنایی است که ارتباط‌های بین فردی بر اساس آن ساخته می‌شود. دانش‌آموزانی که مهارت‌های اجتماعی را به طور واقعی تمرین می‌کنند و به شایستگی به کار می‌گیرند، به طور حتم قادرند در ورود به گروه همسالان و دوست‌یابی موفق باشند، تعاملی مثبت و متقابل در بازی‌ها با همسالان خویش داشته باشند و همین طور دامنه‌ای از رفتارهای اجتماع‌پسندانه را از خود نشان دهند. دانش‌آموزانی که قواعد اجتماعی گروه همسالان را به خوبی یاد می‌گیرند و نیز روابط قوی و مستحکمی را با اعضای خانواده و اجتماع برقرار می‌کنند، به احتمال زیاد سطح کمتری از رفتارهای پرخطر را دارند. دیگر اینکه دانش‌آموزانی که به خوبی مهارت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند و از نظر اجتماعی رفتارهای با کفایت‌تری از خود نشان می‌دهند، دارای مفهوم خود مثبت‌تری هستند و این موجب می‌شود که محدودیت‌ها و توانایی‌های خودشان را به نحو صحیح‌تری ارزیابی، درک و پذیرش کنند و کمتر عدم تمایل به مدرسه دارند. بنابراین با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش روشن می‌گردد که یادگیری موفقیت‌آمیز مهارت‌های اجتماعی باعث افزایش مهارت‌های اجتماعی، ابراز وجود و خودآگاهی یعنی توانایی شناخت از نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، نیازها، رغبت‌ها و تصور واقع‌بینانه و ارتباط مثبت اجتماعی با دیگران و سازگاری می‌شود (جمال‌زاده، ۱۳۸۹)؛ لذا آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند میزان تعلق به مدرسه را در دانش‌آموزان بهبود بخشد. همچنین در اهمیت چنین آموزشی می‌توان گفت؛ برخورداری از احساس تعهد نسبت به مدرسه علاوه بر ایجاد محیطی سالم برای نوجوان در جهت کسب شخصیت مستقل و اجتماعی شدن، دارای بازده‌های تحصیلی مثبتی نیز می‌باشد. احساس تعهد به مدرسه دارای ارتباط معنادار با عملکرد تحصیلی است. گودنو^۱ (۱۹۹۳) معتقد است دانش‌آموزی که احساس تعهد به مدرسه داشته باشد، خود را در فعالیت‌های مدرسه سهیم و متعهد می‌داند و همین امر باعث افزایش انگیزه پیشرفت در دانش‌آموز در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر مدرسه می‌شود. موریسون^۲ (۲۰۰۳) نیز معتقد است برخورداری از این احساس باعث بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. مشارکت در فعالیت‌های مدرسه دارای تأثیر بر روی یادگیری دانش‌آموزان و همچنین انگیزه دانش‌آموزان می‌باشد. حال براساس داده‌های به دست آمده پیشنهاد می‌شود؛ آموزش مهارت‌های اجتماعی، در برنامه‌های آموزش ضمن خدمت برای مشاوران و معلمان و نیز

در برنامه‌های دانش‌افزایی مادران و پدران در نظر گرفته شود تا آنان بتوانند در سازگار ساختن دانش‌آموزان و بالا بردن مهارت‌های ارتباطی آنان نقش لازم را ایفا کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های اجتماعی با بهره‌گیری از فواید و ساختار درمان، روش‌های بالینی موفق، راهکارهای منظم و طبقه‌بندی شده در خصوص استفاده از مؤلفه‌های اجتماعی، به عنوان یک راهکار ساده و ارزان در جهت بهبود احساس تعلق به مدرسه مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ادیب، یوسف (۱۳۹۵). بررسی میزان دستیابی نوجوانان ایرانی به مهارت‌های زندگی. فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۱(۴): ۱-۲۵.
- برغندان، سپیده؛ اکبری، بهمن؛ خلعتبری، جواد؛ و وارسته، علیرضا (۱۳۹۷). تأثیر شفقت درمانی بر سازش یافتگی و شادزیستی دانش‌آموزان دارای رفتارهای پرخطر. فصلنامه سلامت روان کودک، ۵(۲)، ۱۴۲-۱۵۳.
- به‌پژوه، احمد؛ سلیمانی، منصور؛ افروز، غلامعلی؛ غلامعلی، لوازانی، مسعود (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دیرآموز. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۹(۳۳): ۱۶۳-۱۸۶.
- به‌پژوه، احمد؛ سلیمیان، بهروز (۱۳۹۰). مقایسه ادراک لیاقت‌های شناختی و اجتماعی در دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی پایین، دیرآموز و عادی، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۱(۱): ۲۱-۴۰.
- حسینی، مهدی (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی روش‌های تدریس بارش مغزی، تدریس اعضای تیم و روش سنتی بر احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۱(۲)، ۶۹-۸۷.
- فرهنگی، مریم و عبدالعلیان، عبدالحسن (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر خودپنداره و حساسیت اضطرابی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری. مجله ناتوانی‌های یادگیری، ۵(۴)، ۴۳-۵۸.
- گلشن‌پور، مریم؛ و بهرامی، هادی (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی بر خودپنداره تحصیلی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه اول. دوفصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۰، ۶۹-۸۴.
- Brew, C. Beatty, B. & Watt, .. (2004). Measuring students' sense of connectedness with school. paper presented at the Australian ssoiation for Research in Education Annual Conference. Melbourne.
- Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D. & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. *Child Development*, 82, 405-432.
- Eccles, J. S., & Roeser, R. W. (2011). Schools as developmental contexts during adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, 21(1), 225-241.
- Goodenow, C. (1993). Classroom belonging among early adolescent students : Relationship to motivation and achievement. *Journal of Early Adolescence*, 13, 79 – 93.
- Gresham, F.M., Watson, T.S. & Skinner, C. H. (2015). Functional behavioral assessment: Principles, procedures, and future directions, *School Psychology Review*, 30(2): 156-172.
- Hargie, Q., Dickson, D. (2004). *Skilled interpersonal communication* London: Routledge.
- Harrell, A.W., Mercer, S.H, DeRosier, M.E. (2008). Improving the social- behavioral adjustment of adolescents: the effectiveness of social skills group intervention. *Journal of Child and Family Studies*, 18, 378-387.
- Hawkins, A. (2011). Enhancing School Connectedness in Japan: The Role of Homeroom Teachers in Establishing a Positive Classroom Climate. *Asian Journal of Counselling*, 18(1), 41-62.
- Hong, E., Peng, Y., & Rowel, L. L. (2009). Homework self- regulation: grade, gender, achievement-level differences. *Learning and Individual Differences*, 19(2), 269-276.

- Jacob, L., Lachner, .. , & Scheiter, .. (2022). Do school students' academic self-concept and prior knowledge constrain the effectiveness of generating technology-mediated explanations?. *Computers & Education*, 182, 104469.
- Kim, S. (2017). The effects of parent bonding, school bonding, belief on the structure of problem behaviors in elementary school- age children. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, university of Washington.
- Lopes, P. N., Salovey, P., Cote, S. & Beers, M. (2018). Emotional regulation abilities and the quality of social interaction. *J Emotion*, 5(1): 113-118.
- Mammadov, S. (2022). Big Five personality traits and academic performance: A meta analysis. *Journal of Personality*, 90(2), 222-255.
- Mangrulkar, L., Whitman, C. ... , & Posner, .. (2010). Life skills' approach to child and adolescent healthy human development. Washington DC: Pan American Health organization.
- Marsh, .. W., & O'Mara, .. (2008). Reciprocal effects between academic selfconcept, self-esteem, achievement, and attainment over seven adolescent years: Unidimensional and multidimensional perspectives of self-concept. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34, 542–552.
- Marsh. H.W. (2013). Identity in adolescence. In. J. Aelsoo. (ED). *Handbook of adolescence psychology*, New York: wiley.
- Pettus, K. R. (2006). The relationship of parental monitoring to community college student adjustment and achievement: Differences by gender, ethnicity, parental education level and student residence: Carolina University; 2006
- Scherman, V. (2006). School climate instrument: A pilot study in Pretoria and Envirans. A pablished dissertation. University of Pretoria.
- Tella, .. (2007). The Impact of Motivation on Student's Academic Achievement and Learning Outcomes in Mathematics among Secondary School Students in Nigeria. *Eurasia Journal of Mathematics, Science & Technology Education*, 3(2), 149-156.
- Turner, J.A., Anderson, M.L., Balderson, B.H., Cook, A.J., Sherman, K.J., Cherkin, D.C. (2016). Mindfulness-based stress reduction and cognitive behavioral therapy for chronic low back pain: similar effects on mindfulness, catastrophizing, self-efficacy, and acceptance in a randomized controlled trial. *Pain*, 157(11):2434-44.